

طلب ممتاز

محسن ایزانلو^۱

عباس میرشکاری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۱/۰۲)

چکیده

اگرچه اصل بر تساوی طلبکاران است؛ با این حال، گاه قانون‌گذار با هدف حمایت از طلبکارانی خاص، طلب آنها را ممتاز قرار می‌دهد. امتیاز این دسته از مطالبات، کسب وصف تعقیب و تقدم از قانون است؛ وصفی که سبب ترجیح طلبکاران ممتاز بر سایر طلبکاران می‌شود.

واژگان کلیدی: طلب ممتاز، اصل تساوی طلبکاران، تصفیه، طلب مقدم، وثیقه.

مقدمه

در این مقاله، قرار است طلب ممتاز مورد شناسایی قرار می‌گیرد؛ در همین راستا، در مبحث اول، این نهاد حقوقی معرفی شده و مبانی آن تحلیل خواهد شد. در مبحث دوم نیز، حیات حقوقی طلب ممتاز از ایجاد تا پایان بررسی شده و آثار آن ذکر می‌شود. برای

۱- نویسنده مسئول- استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Email: izanloo@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

شناخت موقعیت طلب ممتاز در میان مطالبات، نیز مبحث سوم به تراحم مطالبات اختصاص داده شد.

مبحث اول - معرفی و مبانی طلب ممتاز

بند اول - معرفی طلب ممتاز

طلب ممتاز، همانند هر طلب دیگری، حقی مالی و از مصادیق حقوق دینی است؛^۱ اما وصفی که این نهاد حقوقی را از سایر مطالبات، متمایز می‌سازد، وصف تعقیب و یا تقدیمی است که طلب ممتاز به موجب قانون کسب کرده است. بر همین اساس، اوصاف این نهاد حقوقی را می‌توان در شماره‌های زیر خلاصه کرد:

- گاه طلب ممتاز تنها دارای حق تقدم است؛ یعنی پرداخت آن از حیث زمانی باید بر سایر مطالبات، مقدم قرار داده شود (Turnwald, 2010, p.20) بدون آنکه طلبکار با مال معینی از اموال بدھکار، رابطه حقوقی داشته باشد. برای مثال، بر اساس ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷، «مزد کارگران در عداد دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تأمین و پرداخت شود». در اینجا، کارگر، هیچ حقی نسبت به اموال کارفرما ندارد؛ تنها پرداخت طلب وی باید پیش از پرداخت طلب سایرین، صورت بگیرد. از این دسته از مطالبات می‌توان با عنوان طلب مقدم نام برد. در این نوع از مطالبات، طلبکار تنها دارای حق تقدم بوده و نمی‌توان برای وی حق تعقیب قائل شد؛ در نتیجه حق وی، تنها حق دینی خواهد بود.

۱- در نظام قانون‌گذاری ما برای شناساندن طلب ممتاز از رویه واحدی تعیت نشده است؛ برای مثال، در برخی از نصوص قانونی، از اصطلاح طلب ممتاز (ماده ۱۲۰۶ ق.م) و در برخی دیگر از عبارت «دیون ممتازه» استفاده شده است (ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷) برخی از قوانین، نیز از مجموع اصطلاحات فوق بهره گرفته‌اند؛ (ماده ۳۶ قانون دریابی) اما با توجه به اینکه بکارگیری یکی از دو اصطلاح «دین» یا «طلب» بستگی به زاویه دید شخص دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶)؛ به نظر نمی‌رسد بکارگیری اصطلاحات فوق ناروا باشد.

۲- گاه برخی از طلبهای ممتاز، نسبت به مال معینی از اموال بدهکار، حق تعقیب پیدا می‌کنند؛ به گونه‌ای که آن مال معین، در وثیقه طلب طلبکار قرار می‌گیرد؛ اما وثیقه‌ای که سبب ایجاد آن، حکم قانون است نه قرارداد. مثال فقهی این دسته از مطالبات، حق فراء بر مال موضوع زکات است؛ حقی که محل تعلق آن را مال موضوع زکات دانسته و آن را به حق رهن تشییه کرده‌اند (حکم، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶؛ سیدخوئی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶؛ روحانی، ۱۴۱۲، ص ۹۲). قانون‌گذار فرانسوی نیز در پاره‌ای موارد برای طلبکار بدون وثیقه قراردادی، حق تعقیب بر مال معینی از دارایی بدهکار را پیش‌بینی کرده است (Alain Fournier, 2009, p.2). برای مثال، بر اساس بند ۵ ماده ۲۳۳۲ قانون مدنی این کشور، طلب صاحب هتل از مسافر، نسبت به کالاهایی که او وارد هتل کرده است، ممتاز شناخته شده است؛ در این مورد، کالاهایی که مسافر وارد هتل کرده است، محل وصول طلب صاحب هتل است؛ محلی که وی بر آن حق تعقیب می‌یابد (Olivier Barret, 2010, p.2). در حقوق ما، نیز ماده ۳۳ قانون بیمه می‌تواند مثال خوبی باشد. بر اساس این ماده، بیمه‌گر برای مطالبه حق بیمه، در مقابل هر طلبکاری، بر «مال بیمه شده» مقدم دانسته شده است. به این ترتیب، مال بیمه شده به حکم قانون در وثیقه طلب بیمه‌گر قرار گرفته است. از این دسته از مطالبات ممتاز، می‌توان با عنوان مطالبات دارای وثیقه قانونی یاد کرد. در این صورت، حق طلبکار به طرفیت بدهکار خویش، حق دینی و بر روی اموال بدهکار، حق عینی تبعی خواهد بود؛ زیرا وجود آن وابسته به طلب و به بع آن است (Olivier Barret, 2010, p.2).^۱

۱- براساس ماده ۲۹ قانون دریایی، حقوق خاصی، حقوق ممتاز تلقی گردیده‌اند؛ محل تعلق و وصول این حقوق، «کشتی»، «کرایه حمل» و ملحقات این دو، شناخه شده‌اند؛ به این ترتیب، این حقوق، تنها دارای حق تقدیم، نیستند؛ بلکه با توجه به محل تعلق آنها، دارای حق تعقیب نیز می‌باشند؛ حقی که اگرچه قانون‌گذار به صراحة حکم به عینی بودن آن نداده است، با این حال، به موجب ماده ۳۸ ق.د. «انتقال المالکیت کشتی تأثیری در حقوق ممتاز نخواهد داشت». این حکم می‌تواند دلالت براین نکته داشته باشد که حقوق ممتاز مندرج در قانون دریایی، از جمله حقوق عینی تلقی می‌شوند. از لحن مواد ۲۰ و ۳۳ قانون فوق نیز این برداشت قابل تأیید است. به علاوه در ماده ۸ عهدنامه بین‌المللی مربوط به برقراری مقررات متحدد الشکل درباره حقوق ممتاز و رهن دریایی و پروتکل مربوط ۱۹۲۶ بروکسل به صراحة مقرر شده است: «مطالبات ممتاز نسبت به کشتی از جمله حقوق عینی است».

۳- طلب ممتاز، دو ویژگی فوق را به صورت مستقیم از قانون کسب می‌کند؛ این نکته، طلب ممتاز را از طلب مرتهن، متمایز می‌کند؛ زیرا اگرچه این طلب، نیز دارای حق تقدم و تعقیب می‌باشد، با این حال، منشاء این اوصاف، قرارداد است نه حکم مستقیم قانون. به ویژه آنکه در ادبیات بکار رفته توسط قانونگذار ما و نیز معادلهای مفهوم فوق در حقوق فرانسه آنکه در ادبیات بکار رفته توسط قانونگذار ما و نیز معادلهای مفهوم فوق در حقوق فرانسه (Fournier,2009,p.12)، طلب ممتاز نهادی جدا از طلب مرتهن است.

بند دوم- مبانی طلب ممتاز

۱- زمان ایجاد طلب: برخی از نویسندهای مطالباتی که از حیث زمانی، زودتر از سایر مطالبات ایجاد می‌شوند را ممتاز می‌شنوند (Finch, 2009, p.670 ,Hicks, 2008, p.615, .Kahil, 2011, p.20).

بر این مبنای، اول باید طلب طلبکارانی پرداخت شود که پیش از سایر مطالبات به وجود آمده‌اند. به این ترتیب، نظمی تاریخی، نحوه پرداخت مطالبات را مشخص خواهد کرد. در توجیه این مبنای، می‌توان از قواعد رهن کمک گرفت؛ چه همانطور که یک مال معین می‌تواند وثیقه خاص طلب طلبکاری باشد، کل دارایی مدييون نیز در وثیقه عمومی طلب همه طلبکاران قرار دارد؛ پس همانطور که در رهن مکرر نیز «هنگام وصول طلب، مرتهن نخستین بر دیگران حق تقدم دارد و از حاصل فروش مال ابتدا او طلب خود را برمی‌دارد، سپس اگر چیزی باقی ماند، به بستانکاران دیگر می‌رسد» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص۵۱۸)، در وثیقه عام نیز طلبکاران اولیه، بر طلبکاران بعدی، ترجیح داده می‌شوند (Kahil, 2011, p.20)؛ با این توجیه که این اموال ابتدا در وثیقه عمومی طلب طلبکاران اولیه و سپس در وثیقه طلبکاران بعدی قرار گرفته‌اند. اما این اندیشه، هیچ توجهی به سبب طلب افراد و یا شخصیت طلبکار (به ویژه میزان نیاز اقتصادی وی) نمی‌کند. به علاوه، در نظام حقوقی ما، به طور کلی، تقدم و تأخیر زمانی ایجاد مطالبات، سبب ترجیح آنها بر یکدیگر نمی‌شود (در تأیید همین نکته، صفری، ۱۳۸۸ ص ۲۲۹- در قانون مدنی کبک نیز همین موضع اتخاذ شده است؛ Mignault, 1916, p.7). همچنین این مبنای، عمدتاً بر مبنای نظریه تلقی اموال بدھکار به عنوان وثیقه عمومی طلبکاران، بنا شده

است؛ نظریه‌ای که در نظام حقوقی ما مقبول واقع نشده است. پس توجیهی برای ممتاز دانستن طلب‌های مقدم بر طلب‌های موخر وجود ندارد (ایزانلو، ۱۳۹۰، ص.۷).

۲- رهن مفروض: گاه با توجه به اوضاع و احوال موجود در رابطه طلبکار و بدهکار، می‌توان فرض کرد که آنها در اندیشه ترهین مالی از اموال بدهکار به نفع طلبکار بوده‌اند؛ برای مثال، وقتی مسافری، توشه سفر خود را وارد هتل می‌کند، چنین فرض می‌شود که مسافر و صاحب هتل، خواسته‌اند اموال مسافر، وثیقه و تضمین پرداخت مطالبات صاحب هتل بابت کرایه اتاق قرار گیرد؛ طلب حق العمل کار نسبت به اموال موضوع حق العمل کاری و طلب متصدی حمل و نقل نسبت به اموال حمل و نقل شده نیز برهمنی مبنای قابل تفسیرند (Barret, 2010, p.8). این مبنای در خصوص مطالبات بیمه‌گذاران از بیمه‌گر نیز قابل استفاده است؛ زیرا می‌توان چنین فرض کرد که اموال بیمه‌گر در رهن طلب بیمه‌گذاران قرار گرفته است (ماده ۶۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳). اما حقیقت این است که این اندیشه مبتنی بر فرضی دور از واقع است؛ به علاوه، این مبنای در مواردی که طلبکار و بدهکار تا پیش از ایجاد طلب، با یکدیگر، هیچ ارتباطی نداشته‌اند، قابل اجرا نیست. برای مثال، نمی‌توان این مبنای را برای توجیه ممتاز شناختن طلب زیان دیدگان از مسئولین خسارتهای دریابی بکار برد (بند ۴ ماده ۲۹ قانون دریابی).

۳- حمایت از طلبکار: با توجه به نقدهای وارده به مبانی اول و دوم، به نظر می‌رسد بتوان طلب ممتاز را با اندیشه حمایت از طلبکار توجیه کرد. توضیح آنکه همه طلبکاران از لحاظ توان مالی در یک سطح نیستند؛ برخی آسیب‌پذیرند و مستحق حمایت بیشتری هستند؛ پس با ممتاز شمردن طلب آنها، می‌توان آنها را در جریان رقابت میان طلبکاران قرار نداد و بدین ترتیب، وصول طلب آنها را تضمین کرد (J.Kilpi, 1998; p.22, Fournier, 2009, P.2; Mokal, 2011, P.581-621; Hicks, 2008, p.615, Forster, 2004, .(P.4

این اندیشه با اصول اخلاقی سازگار بوده و دارای مبانی فلسفی نیز می‌باشد؛ چه در پرتو Fournier, 2009, p.2, Reid, 2006, p.286; Finch,2009, p.602; Ziegel,1994 و فرصت، باید به نفع ضعیف‌ترین‌ها، باز توزیع شود (غایاچ زندی، ۱۳۸۱، ص ۷۷؛ توانا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹؛ قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰؛ جروم. جی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲؛ توسلی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۶). توضیح آنکه در دسته‌بندی که ارسسطو از عدالت ارائه می‌دهد، از جمله آن را به دو دسته توزیعی و تصحیحی تقسیم می‌کند؛ وی در عدالت توزیعی معتقد است که باید افتخار و پول و دیگر امور به طور برابر، برای شهروندان تقسیم شوند؛ اما در عدالت تصحیحی، باید اموری که به برخی اجحاف شده است، جبران شود. چون برخی از امکانات بیشتر و فرصتی مهیأ‌تر برخوردار هستند، از این‌رو، برای دیگران که از این امکانات محروم هستند، باید راهی در نظر گرفت تا عدالت برای آن‌ها هم اجرا شود (سیدیان، ۱۳۸۲، ص ۶۰) و ناروایی‌ها و نادرستی‌هایی که در روابط افراد پدید می‌آید، اصلاح شود (ندایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). ممتاز شناختن طلب اشخاص آسیب‌پذیر می‌تواند ابزاری برای تحقق عدالت تصحیحی باشد.

اشخاص آسیب‌پذیر از جمله می‌توانند کسانی باشند که توانایی لازم برای تحمل ضررهای مالی را ندارند (Finch, 2000, P.194). با این حال، آسیب‌پذیری را نباید محصور به ابعاد مالی نمود؛ ممکن است آسیب‌پذیری به دلیل موقعیت اجتماعی شخص صورت پذیرد. برای مثال، زنان به عنوان یکی از اشخاص آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند؛ دقیقاً از همین رو است که طلب زن بابت نفقه اش در پنج قانون (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی ۲۲۶ قانون امور حسبي، ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، قانون حمایت از خانواده و قانون اجرای احکام مدنی) و بابت مهریه در دو قانون (قانون امور حسبي و قانون اجرای احکام مدنی) به عنوان طلب ممتاز شناخته می‌شود. همچنین تلقی اشخاص محجور به عنوان اشخاص آسیب‌پذیر سبب شده که براساس قانون اجرای احکام مدنی، در صورتی که اشخاصی تحت ولایت یا قیومت ولی یا قیم بوده و به همین دلیل، از ایشان، طلبکار بشوند، در شمار طلبکاران ممتاز قرار بگیرند.



مبحث دوم- حیات و آثار طلب ممتاز

طلب ممتاز همانند هر پدیده‌ای، در مقطعی از زمان ایجاد می‌شود، آثاری بر جای می‌گذارد و در نهایت، خاتمه می‌یابد. همه اینها، مراحل مختلف زندگی طلب ممتاز را نشان می‌دهد. بر همین اساس، در این مبحث، حیات طلب ممتاز (بند اول) و آثار آن (بند دوم) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول- حیات

الف- ایجاد طلب ممتاز

تنها قانون می‌تواند طلب ممتازی را ایجاد کند. (Finch, 2009, p.60, Hicks, 2008, 2008, p.617; Robinson, 1981, p.214; Tancelin, 1967, p.290). این نتیجه که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، (در حقوق فرانسه؛^۱ Fournier, Generaux, p.2, در حقوق انگلستان: Immobiliers, pp.3-6. Goode, Roy A., 1997, p.59؛ در حقوق تایلند: Clark, 2006, p.311 ماده ۲۳۸۶ قانون مدنی افغانستان و بند ۲ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصر) در نظام حقوقی ما نیز قابل تأیید است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). طلب ممتاز نهادی است استثنایی و همانند هر نهاد استثنایی دیگری، باید به صورت مضيق تفسیر شود (Olivier Barret, 2010, p.2)؛ پس هرگاه در ممتاز بودن یا نبودن طلبی تردید شود، اصل بر عدم امتیاز آن بر مطالبات عادی است (سرخسی، ۱۴۰۶، ص ۹۸؛ رأی شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور هفته دادگستری، ش ۷۳، ص ۷ - ۸، مورخ ۱۳۵۰/۷/۱۵؛ رأی شماره ۶۹۲ مورخ ۱۳۱۹/۳/۲۵ شعبه سوم دیوان عالی کشور؛ صبری، خلیل، ۱۳۲۴، ص ۱۸؛ نظریه اداره حقوقی به تاریخ ۱۳۵۰/۶/۳۱ به نقل از: هفته دادگستری، ش ۷۰، ص ۳-۲) بنابراین قرارداد نمی‌تواند موجد طلب ممتاز باشد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا بوسیله تأمین خواسته می‌توان طلبی را ممتاز ساخت؟ به این معنا که خواهان بر خواسته تأمین شده نسبت به سایر طلبکاران حق تعقیب و

۱- در این نظام حقوقی در توجیه عقیده فوق، به این ضرب المثل استناد می‌شود: Pas de privilège sans texte؛ برای بررسی پیشتر، ر.ک.به: V.H. Roland, 1992, no.303.

تقدم یابد. پاسخ برخی از حقوقدانان به این سؤال منفی است: (صالح، ۱۳۲۷، ص ۹۴۱ - ۹۵۳؛^۱ دادنامه شماره ۸۵۵ مورخ ۷۵/۶/۲۴ به کلاسه پرونده ۱۶۰۸/۷۴ صادره از شعبه ۱۸۶ دادگاه عمومی تهران). چه طلب ممتاز استثنایی بر اصل تساوی طبکاران است؟ ایجاد استثناء براین اصل نیز تنها از عهد قانون برمی‌آید، پس حکم قاضی دادگاه نمی‌تواند طلبی را ممتاز سازد (Ann Robinson, 1981, p. 214). اما در نظری مخالف اعتقاد براین است که وقتی شخصی به عنوان خواهان با جستجوی اموال خوانده خود، تهیه دلایل و تحمل بار اثبات دعوی و در پاره‌ای موارد با تودیع خسارت احتمالی، قرار تأمین خواسته را دریافت می‌کند، طبیعی است که انتظار دارد با سایر طبکارانی که گوشاهی نشته و نظاره‌گر اقدامات خواهان توقيف کننده هستند؛ تفاوت داشته باشد (صالح، ۱۳۲۷، ص ۹۴۱ - ۹۵۳). از طرف دیگر، فرصت اخذ تأمین خواسته برای همه طبکاران میسر است و آنها نیز می‌توانند از این فرصت استفاده کنند. از همین رو، استثناء کردن دارنده تأمین خواسته از اصل تساوی طبکاران، استثنای ناموجهی نیست.^۱

قانون گذار ما نیز در این میانه جانب عقیده اخیر را گرفت؛ چنانکه در ماده ۲۶۹ قانون آین دادرسی مدنی (مصطفوی ۱۳۱۸) مقرر شد: «درخواست کننده تأمین در استیفاء طلبش از مال مورد تأمین بر سایر طبکاران حق تقدم دارد». این موضوع با فلسفه تاسیس تأمین خواسته نیز مطابق است: (واحدی، ۱۳۶۷، ص ۲۱-۲۲؛ صدرزاده افشار، ۱۳۷۲، ص ۳۶۰-۳۶۸؛ مدنی، ۱۳۶۸، ص ۶۲۰-۶۲۱؛ متین دفتری، ۱۳۷۸، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ شمس، عبدالله، تأمین در تأمین خواسته، ص ۱۹۳). اینکه قانون گذار بدؤاً درخواست کننده را ملزم به رعایت شرایطی بنماید و او را به جبران و تدارک خسارات طرف مقابل ملزم کند، ولی در عین حال، دارنده قرار تأمین را با سایر طبکاران برابر قرار دهد، عملی لغو است که استناد آن به قانون گذار جایز نیست. با این حال و علی‌رغم اطلاق ماده ۲۶۹ که حالت ورشکستگی را نیز در برمی‌گرفت، هیات عمومی دیوان عالی کشور طی رأی وحدت رویه شماره: ۳۲۷۱ مورخ ۱۰/۱۹/۳۹ این مقرر

۱- جان رالز در اصل دوم عدالت خود معتقد است: «ناابربری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به صورتی ترتیب داده شود که... امکان رسیدن به مقام و موقعیت (عامل نابربری) برای همه یکسان باشد»؛ حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۳۶۸ - ۳۸۹.

نمود که ماده فوق الذکر در زمان ورشکستگی قابل اجرا نبوده و در این زمان، باید براساس ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی عمل کرد. در این ماده نیز «از بستانکارانی که از اموال متوقف طلب خود را به وسیله دادگاه تأمین کرده‌اند قیدی دیده نمی‌شود». این رویه تا تصویب قانون آین دادرسی مدنی جدید ادامه داشت تا اینکه در ماده ۱۲۸ قانون فوق به صراحة مقرر شد: «در ورشکستگی چنانچه مال توقيف شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تأمین باشد درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد». معنای این حق تقدم، این است که با توقيف مال، برای کسی که مال به نفع او توقيف گردیده، نسبت به سایر طلبکاران، حق تقدم ایجاد می‌شود و اگر بعد از پرداخت طلب وی چیزی از محل فروش مال توقيف شده باقی ماند، به طلبکاران بعدی، پرداخت خواهد گردید. بنابراین، در صورت وجود طلبکاران متعدد برای بدھکار، هر کس زودتر موفق به توقيف تأمینی یا اجرائی گردد، احتمالاً به تمام طلب خود می‌رسد و کسانی که دیرتر اقدام کنند، احتمال وصول طلب آنها کمتر خواهد شد. جدا از این نکته، عبارت «مال توقيف شده... مورد ادعای متقاضی تأمین باشد» درخور توجه است. در واقع، براساس این عبارت، باید متقاضی تأمین، ادعایی نسبت به مال توقيف شده داشته باشد، یعنی آن را متعلق به خود بداند (شمس، آین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۴۸۱)؛ در این صورت است که وی بر دیگران حق تقدم خواهد داشت. در غیر این صورت، بر اساس اصل تساوی طلبکاران، عمل خواهد شد. اگر این تفسیر از جمله فوق، پذیرفته شود، تقدم دارنده تأمین خواسته، بیش از آنکه به تأمین خواسته و ایجاد طلب ممتاز برای دارنده تأمین برگردد، به حق عینی دارنده این قرار بر مال موضوع تأمین برمی‌گردد. نظیر این تقدم، در فقه، تحت عنوان «اختصاص» مطرح می‌شود که به موجب آن در صورتی که بستانکاری عین مال خود را در تصرف بدھکار بیابد، بر سایر طلبکاران ترجیح داده می‌شود («من وجده من غرمانه عین ماله عنده، کان احقّ به من غیره»^۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۱؛ حَلَّ، ۱۳۷۳، ص ۷۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۹۸-۹۹؛ ممقانی، بی تا، ص ۲۶۹؛ مستند این فتاوی از جمله روایتی از حضرت کاظم(ع) است: حرّ عاملی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۶).

ب- پایان طلب ممتاز

پایان طلب ممتاز ممکن است به دو شکل صورت بگیرد: گاه عمر خود طلب به انتها می‌رسد، در این صورت، طبیعی است که وصف ممتاز بودن طلب نیز از بین خواهد رفت، گاه اما وصف ممتاز بودن آن زایل می‌شود؛ در حالی که طلب هنوز پا بر جا است.

ب-۱- پایان ممتاز بودن طلب

۱- اسقاط امتیاز: امتیاز طلب ممتاز (چه حق تعقیب باشد و چه حق تقدم) حقی مالی است؛ پس طلبکار حق دارد به دلخواه خویش از آن بگذرد و آن را ساقط کند؛ اما در این صورت، اصل طلب وی ساقط نخواهد شد؛ بلکه از این پس طلبش به طلبی عادی تبدیل خواهد شد. ولی با این حال، در تمامیت این سخن، باید تأمل کرد. چه اگر طلبکار دولت باشد و برای مثال، بابت حقوق گمرکی یا مالیات، طلب ممتازی داشته باشد، نمی‌تواند این حق را ساقط کند؛ چه این حقوق در راستای منافع عمومی جامعه هستند و دولت را توان اسقاط آنها نیست (ماده ۱۲۶ ق.م). همچنین در مواردی که هدف از ممتاز شناختن طلب حمایت از شخص طلب کار باشد، نظم عمومی حمایتی مستلزم امری بودن قانونی است که بودن طلب را مقرر می‌کند. با وجود این، پس از ایجاد طلب، همچنانکه ابراء از اصل طلب ممکن است، انصراف از امتیاز آن هم ممکن است

۲- تلف مال موضوع وثیقه: در صورتی که قانون‌گذار بر روی مال معینی، برای طلبکار، حق وثیقه قائل شده باشد، در این صورت، با تلف آن مال، طبیعتاً حق تعقیب وی از بین خواهد رفت؛ در واقع، پس از تلف مال، طلب ممتاز به طلبی عادی بدل خواهد شد. (این نتیجه از مفهوم مخالف برخی از فتاوی افکار نیز قبل استنباط است: «اذا كان المكفل مديينا لأحد من الناس، وحل عليه وقت إخراج الزكاة الواجبة، فالزكاة مقدمة على الدين إذا كانت العين التي تعلقت بها الزكاة موجودة». زین الدین، بی تا، ص ۱۸۴). با این حال، اگر مالی جایگزین مال مورد وثیقه شود، در همان موقعیت حقوقی مال مورد وثیقه قرار می‌گیرد. پس برای مثال، اگر این مال، بوسیله شخصی از بین رفته باشد، و مال دیگری در قبال آن و به عنوان غرامت داده شده باشد، مال جدید، جایگزین

موقعیت حقوقی مال موضوع طلب ممتاز خواهد شد؛ لذا مجدداً امتیاز دارنده طلب بر آن برقرار خواهد شد. این موضوع در حقوق فرانسه با اخذ وحدت ملاک از ماده ۱۳-۱۲۱ (Barret, Mobiliers, P.19). این حکم در حقوق ما نیز از ملاک ماده ۷۹۱ ق.م. قابل استنباط است؛ بر اساس این ماده، «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مذبور رهن خواهد بود». ماده فوق اگرچه در مورد عقد رهن (ویقه قراردادی) و حق عینی تعیی حاصل از آن است، اما ملاک آن در خصوص وثیقه‌های قانونی نیز قابل استفاده است.

- مرور زمان: در برخی از موارد، مرور زمان، سبب پایان یافتن امتیاز طلب می شود؛ برای مثال، براساس بند الف ماده ۳۹ قانون دریایی چنانچه دارنده حقوق ممتاز ظرف مدت یک سال در مقام استیفاء حقوق ممتاز بر نیاید حق امتیاز خود را از دست خواهد داد.

ب-۲- پایان خود طلب

همانطور که گفته شد، وصف ممتاز بودن تابع طلبی است که آن را تضمین می کند؛ پس با از بین رفتن طلب، صفت ممتاز بودن آن نیز باقی نخواهد ماند (Simler, 2000, p.549).

۱- ایفای تعهد: با ایفای تعهد، حیات طلب به پایان می رسد؛ در نتیجه وصف ممتاز بودن آن نیز از بین می رود. اما اگر قسمتی از طلب پرداخت شود، مسلماً از حق تقدم طلبکار نیز به همان میزان، کاسته خواهد شد اما این اتفاق، چه تأثیری بر حق تعقیب خواهد گذاشت؟ به نظر می رسد با توجه به اینکه حق تعقیب حاصل از طلب ممتاز، قابل تقسیم نیست (Pratte, 1992, p.178)؛ اگر قسمتی از دین پرداخت شود، مديون نمی تواند خواهان ساقط شدن قسمتی از حق تعقیب طلبکار بر قسمتی از مال موضوع وثیقه شود. این موضوع که به صراحت در ماده ۱۹۸۳ قانون مدنی کبک، آمده (Robinson, 1981, p. 214)، در حقوق ما نیز با توجه به ماده ۷۸۳ ق.م. قابل استنباط است.

۲- ابراء: اثر اصلی ابراء سقوط طلب است اما این اثر، آثار تبعی نیز دارد؛ از جمله آنکه تضامین شخصی و عینی طلب را نیز از بین می‌برد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۵۳۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۹۸).

۳- تهاتر: برخی از نویسنده‌گان این احتمال را مطرح کرده‌اند که دیون ممتازه، با دیون عادی قابل تهاتر نیستند (اما، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴)؛ اما در رد این احتمال گفته شده: «ممتاز بودن دیون وصفی است که صرفاً سبب تقدم صاحب آن بر سایر طلبکاران به هنگام تأديه مدیون خواهد بود و این وضعیت موجب افزایش ارزش واقعی دین ممتاز نسبت به دین ساده از جهت حقوقی نیست و اختلاف آنها را در حدی که مانع تهاتر باشد، سبب نمی‌شود».
 (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰). به ویژه آنکه ممتاز شدن طلب وسیله‌ای برای استیفاده طلب طلبکار است و تهاتر نیز وسیله و راهی برای استیفاده طلب وی است. اما نکته‌ای که توجه به آن لازم است، مبنای طلب ممتاز می‌باشد؛ در واقع، هدف از ممتاز شناختن یک طلب، حمایت از طلبکار است؛ پس نه به خاطر ممتاز بودن یک طلب بلکه به دلیل مبنای حمایتی آن، گاه تهاتر طلب ممتاز با طلب عادی نادرست تلقی می‌شود. توضیح بیشتر آنکه اگر برای مثال، زن بابت نفقة‌اش، طلبکار باشد و از دیگر سو، بابت موضوع دیگری به شوهرش، بدھکار باشد، آیا میان این دو طلب، تهاتر صورت می‌گیرد؟ پاسخ برخی از حقوقدانان، با استناد به اقوال فقهاء، منفی است؛ چه مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که چنین تهاتری صورت پذیرد (جفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). همچنین است دستمزد کارگر (ماده ۴۴ ق.ک)؛ با این حال، به نظر می‌رسد بتوان اصل را بر قابلیت تهاتر طلب ممتاز با طلب عادی قرار داد مگر آنکه مبنای حمایتی یک طلب مانع این اتفاق شود.

بند دوم- آثار طلب ممتاز

طلب ممتاز استثنایی بر اصل تساوی طلبکاران است؛ Goode, 1997, p.142; Little P, 1997; Hicks A, p.4404; Steele, 2006, p.41; mason, 2006, p.479; Robinson, 1981, Mazeaud, p.211. پس همانند هر نهاد استثنایی دیگری باید به صورت مضيق تفسیر شود (

فرعیات طلب (نظیر خسارت تأخیر) تردید شود، اصل بر عدم گسترش دامنه و قلمرو طلب ممتاز می‌باشد مگر آنکه در خود قانون، به صراحت به گسترش دامنه طلب ممتاز به فرعیات آن اشاره شده باشد (نظیر ماده ۱۵۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵/۱۲/۲۸). چنانکه در حقوق فرانسه، طلب ممتاز شامل خود ثمن و توابع آن مانند بهره قانونی یا بهره قراردادی و هزینه‌های حقوقی (برای انتقال) می‌شود اما خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات (از جمله وجه التزام) یا ناشی از فسخ قرارداد تحت پوشش امتیاز قرار نمی‌گیرند. (Barret,2010, P.12, Barret,2007, p.3-6)

گسترش طلب ممتاز به بدهکاری خاص تردید شود، باید جانب نص را گرفت و از حدود آن فراتر نرفت. برای مثال به موجب ماده ۱۶۰ قانون مالیات‌های مستقیم، «وزارت امور اقتصادی و دارایی برای وصول مالیات و جرایم متعلق از مؤدیان و مسئولان پرداخت مالیات سازمان مذکور از آنها، ممتاز شمرده شده است، «مؤدی» و «مسئول پرداخت مالیات» می‌باشند؛ پس طلب سازمان فوق از اشخاصی که مسئول انجام اقدامات مربوط به کسر و ایصال مالیات (ماده ۱۹۹ ق.م) یا تسليم مشخصات مؤدی (ماده ۱۹۷ ق.م) هستند، ممتاز شناخته نمی‌شود. همین بحث در حقوق فرانسه، نیز مطرح شده است؛ برای مثال، براساس بند ۵ ماده ۲۳۳۲ قانون مدنی این کشور، طلب صاحب هتل از مسافر، نسبت به کالاهایی که او وارد هتل کرده است، ممتاز شناخته شده است؛ بر این اساس، در گستره این طلب، از یکسو، صاحب هتل وجود دارد و از دیگرسو، مسافر؛ با انتفای هریک از این دو، طلب ممتازی نیز شکل نخواهد گرفت. پس طلب رستوران‌ها و کافه‌ها که تنها تأمین‌کننده غذا بوده و در آنها اسکانی صورت نگرفته و وسائل منزلی از سوی صاحب رستوران، تأمین نمی‌شود، ممتاز شناخته نمی‌شود؛ همانطور که اگر دین مربوط به مستاجر باشد (نه مسافر)، طلب،

ممتناز نخواهد بود (Fournier, 2009. P.2 Barret, 2010, p.7) به همین صورت، رویه قضایی کانادا، از سرایت طلب ممتاز آرشیتکت‌ها، به مهندسین امتناع می‌کند.(Robinson, 1981, p.214).

الف- آثار طلب ممتاز در روابط بین طلبکار و بدھکار

- ۱- وجود طلب ممتاز، مالکیت را از بدھکار سلب نمی‌کند؛ این قاعده نه تنها در خصوص طلبی که تنها دارای حق تقدیم است، اجرا می‌شود؛ بلکه در خصوص مطالبات دارای وثیقه قانونی نیز قابل اعمال است. پس در هر صورت، بدھکار همچنان مالک است؛ در نتیجه منافع مال نیز به وی تعلق خواهد داشت (ملک ماده ۸۷۶ ق.م.).
- ۲- در طلب مقدم، حتی آزادی مالک در تصرف نیز هنوز کامل است؛ زیرا دارنده این طلب، بر اموال بدھکار، حق عینی تبعی ندارد اما در طلب دارای وثیقه حکمی، وضعیت این گونه نیست؛ طلبکار بر مال معینی، حق تعقیب می‌یابد؛ پس تاحدی می‌تواند مانع اعمال حقوق مالکانه مالک شود (Barret, 2010, p.2). حدومرز این محدودیت را حقوق طلبکار ممتاز تعیین می‌کند؛ پس مالک نمی‌تواند در مورد وثیقه، تصریفی کند که منافی حقوق طلبکار باشد (ماده ۷۹۳ ق.م.).
- ۳- مرتهن برای وصول طلبش می‌تواند به شرط داشتن وکالت، اقدام به فروش مورد رهن نماید و در صورت نداشتن وکالت، به بدھکار مراجعته و در صورت استنکاف وی، به دادگاه رجوع کند. در هر دو نوع طلب ممتاز، مسلمًاً روش‌های فوق قابل استفاده خواهد بود. همچنین اگر طلب ممتاز دارای شرایط مندرج در آینه نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء باشد، می‌توان از ظرفیت اجرای اسناد رسمی نیز بهره برد.

ب- آثار طلب ممتاز نسبت به اشخاص ثالث

اگر اثر طلب ممتاز تنها در حد رابطه میان طلبکار و بدھکار باقی می‌ماند، این نهاد حقوقی هیچ تفاوتی با سایر مطالبات نداشت؛ در حالی که قرار است پرداخت طلب ممتاز بر

پرداخت طلب سایر طلبکاران مقدم باشد؛ پس طلب ممتاز در رابطه با اشخاص ثالث نیز اثر خواهد داشت.

۱- حق تقدیم: اگرچه ممکن است طلب ممتازی فاقد حق تعقیب باشد، اما مطمئناً این طلب، بهرهمند از حق تقدیم است؛ در واقع، اولویت (تقدیم) در استیفای طلب، بارزترین اثر طلب ممتاز است. اثری که اگر از طلب ممتاز گرفته شود، دیگر تفاوتی با طلب عادی نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴). به این ترتیب، طلبکار ممتاز در اختصاص سهمی از دارایی مثبت مدیون به خود، دارای حق تقدیم است.

۲- حق تعقیب: حق تعقیب، حقی است که به موجب آن، دارنده اش، «می‌تواند تغییر مکان عین را تحت نظر و تعقیب درآورد و استرداد عین را در دست هر کس که باشد بخواهد». از دیگر آثار این حق این است که اگر بر عینی که ملک دیگری است، حق عینی جدیدی برقرار شده باشد، انتقال عین، سبب زوال حق نمی‌شود. پس اگر طلبی متکی به حق تعقیب نسبت به مالی باشد، انتقال پی در پی آن مال، سبب سقوط حق تعقیب نخواهد شد (Barret, 2010, p.2). در واقع، محل وصول طلب، همیشه محفوظ می‌ماند و طلبکار می‌تواند بدون تأثیر از تصرف یا انتقال مال، آن را در دست هر کس بیابد، برای اعمال حق خود توقیف کند. از دیگر اوصاف حق تعقیب، قابلیت استناد به آن در مقابل اشخاص ثالث است؛ نکته‌ای که در حقوق ما نیز قابل اعمال است.

مبحث سوم- تزاحم مطالبات

زمانی که چند حق دینی وجود داشته باشد که به دلیل عدم تکافوی دارایی مدیون، امکان ادای همگی آنها نباشد، اصطلاح تزاحم قابل استفاده است (شهید اول، ۱۲۷۲، ص ۲۴۷؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۲۷؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۴۲۵). توضیح بیشتر آنکه تزاحم، اصطلاحی فقهی و اصولی و ناظر به تقابل دو حق یا حکم شرعی است. ریشه این واژه، زَحَمَ به معنای تراکم افراد یا اشیاء در مکانی خاص به نحوی که موجب تنگی جا شود، بوده و در اصطلاح

اصول فقه به مواردی که دو حکم شرعی در مقام عمل، به طور هم زمان قابل انجام نباشد، گفته می‌شود.

بند اول - در فقه و حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، رفع تزاحم بیشتر بر اساس تکنیک‌های حقوقی و صرف‌نظر از ماهیت مطالبات صورت می‌گیرد اما در فقه، درجه اهمیت موضوعات متزاحم بیشتر ملاک است.

الف - در فقه

اصولیون با توجه به قبح ترجیح بلا مر جع (برای بررسی این مفهوم، ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۸)، به بیان برخی مرجحات و راه‌هایی برای رفع تزاحم پرداخته‌اند (عرaci، ۱۴۲۰، ص ۴۶۷-۴۶۸؛ حکیم، ۱۳۹۰، ص ۳۶۴؛ زرکشی، ۱۴۰۵، ص ۲۹۵) اما یکی از مهمترین روش‌های پیشنهاد شده، ترجیح بر مبنای میزان اهمیت است (انصاری، ج ۲، ۴۰۸-۴۰۹).

ب - در حقوق فرانسه

قانون مدنی فرانسه، به غیر از دو حکم اصلی، مقرره کافی در خصوص حل تعارض میان امتیازات ندارد؛ اولین حکم این است که در بین مطالبات ممتاز، ترجیح بر اساس کیفیت مختلف طلب، حل و فصل می‌شود (ماده ۲۳۲۵ ق.م.ف). قاعده دوم این است که با مطالباتی که در یک ردیف هستند، به صورت برابر رفتار خواهد شد (ماده ۲۳۲۶ ق.م.ف). به اعتقاد برخی، این دو قاعده، برای پاسخگویی به همه موارد تعارض، کفايت نکرده و شایسته بود مقнن، معیارهای دیگری نظری تاریخ ایجاد طلب یا زمان بدست گرفتن شی را نیز لحاظ می‌کرد (Barret, 2010, p.19). به هر روی، در این نظام حقوقی، تعارض به دو شکل ترسیم شده است؛ از یک سو، ممکن است یک امتیاز خاص با یک امتیاز عام تعارض یابد. و از دیگر سو، ممکن است دو یا تعداد بیشتری امتیاز خاص، با هم تعارض یابند.



در حالت اول، در ماده ۲۳۳۲-۱ مقرر شده است که امتیاز خاص بر امتیاز عام برتری می‌یابد مگر آنکه ترتیب دیگری در قانون مقرر شده باشد؛ مانند مطالبات کارگران، مالیات و هزینه‌های دادگاه.

اما در حالت دوم، تعارض ممکن است میان مطالباتی اتفاق افتد که مبنای واحدی دارند؛ در این صورت برای هریک، راه حل‌های مختلفی ارائه شده است؛ برای مثال، اگر تعارض میان امتیازاتی باشد که بربنای رهن مفروض واقع شده‌اند، متصرف با حسن نیت مقدم خواهد بود (ماده ۲۲۷۶) برای مثال، اگر صاحب هتل و متصدی حمل و نقل بر روی اثاثیه مسافر، مدعی طلب ممتاز باشد و این اثاثیه در تصرف صاحب هتل باشد، طلب وی بر طلب متصدی ترجیح داده خواهد شد (Simler, 2009, p.12). اما اگر تعارض میان امتیازاتی باشد که همگی از مبنای افزایش ارزش یا حفظ شی پیروی کرده‌اند؛ در اولی طلب مقدم (از حیث زمانی) و در دومی، آخرین حافظ شی (که اگر نبود، مالی باقی نمی‌ماند) مقدم خواهد بود.

اما اگر امتیازات، مبنای واحدی نداشته باشند؛ در صورت تعارض میان مطالبات مبنای رهن مفروض و افزایش ارزش و رهن مفروض با حفظ شی، رویه قضایی، مطالبات دسته اول را ترجیح داده است (Barret, 2010, P.9). پس طلب ممتاز متصدی حمل و نقل (که از مبنای رهن مفروض تبعیت می‌کند) بر طلب فروشنده‌ای که به طلب خود بابت ثمن نرسیده است (و از مبنای افزایش دارایی مديون پیروی می‌کند)، مقدم خواهد بود.

بند دوم- در حقوق ایران

قانونگذار ما با شناسایی مطالبات مختلف به عنوان مطالبات ممتاز در قوانین گوناگون، ترسیم جدول مطالبات ممتاز را دشوار ساخته است؛ برای رفع این تعارضها می‌توان به شمول موضوعی و زمانی قوانین توجه کرد. این روش، از این جهت پسندیده است که تزاحم مطالبات ممتاز ناشی از تعارض قوانین مختلفی است که حاوی احکام ناظر به

مطالبات می‌باشد؛ پس راه صحیح برای رفع تراحم مطالبات، حل تعارض قوانین است. بدیهی است که یکی از روش‌های مالوف در حل تعارض قوانین، توجه به شمول موضوعی و زمانی آنهاست. برای مثال، به موجب ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۳۵: «در موقع وصول مالیات و جرایم آن از درآمد و اموال مؤدیان یا ضامن آنها وزارت دارایی نسبت به سایر طلبکارها حق تقدم خواهد داشت». با این حال، ماده ۵۸ ق.ا.ت. ترتیب دیگری برای تصفیه پیش‌بینی کرد: «بود. رأى وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز به این شکل صادر شد: (قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ ترتیب خاصی برای پرداخت دیون ورشکسته مقرر داشته ... و ماده (۳۰) قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۵ راجع به وصول مالیات و جرایم آن از اموال و دارایی عموم مؤدیان ناظر به اشخاص ورشکسته که وضع مالی آنها تابع قانون خاصی می‌باشد نبوده و آرای شعب پنجم و دهم دیوان عالی کشور که وزارت دارایی را در مورد وصول مالیات و جرایم متعلق به آن از بازارگان ورشکسته در طبقه پنجم و در ردیف سایر بستانکاران عادی شناخته صحیحاً صادر گردیده...). به این ترتیب، براساس نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط براساس مقررات راجع به ورشکستگی است که دیون تاجر ورشکسته باید پرداخت شود و مقدم داشتن طلبکاری بر طلبکاران دیگر و یا شناسایی طلبی به عنوان طلب ممتاز باید مبتنی بر آن مقررات باشد؛ در نتیجه اگر در مقرراتی به نحو عام برای بستانکاران اولویتهایی را در نظر گرفته شده باشد، در مقام تصفیه امور تاجر ورشکسته قابل اجرا نمی‌باشد. این عقیده از این جهت قابل دفاع است که تصفیه جمعی موضوعی متفاوت از تصفیه فردی است؛ پس با توجه به تفاوت دو موضوع، طبیعی است که باید احکام متفاوتی بر هریک حکومت کند. اما نباید بر عام بودن قوانین موخر از قانون تصفیه چندان اصرار کرد؛ چه همانطور که می‌دانیم، خاص و عام بودن مفاهیمی نسبی هستند؛ یک موضوع می‌تواند از جهتی خاص و از جهتی عام باشد. از همین جهت، می‌توان گفت که قوانین موصوف، از جهت طلبکار،

غالباً قوانینی خاص هستند؛ برای مثال، قانون مالیات، طلب سازمان امور مالیاتی را ممتاز می‌شناسد همانطور که قانون تأمین اجتماعی، طلب این سازمان، را ممتاز می‌داند، در حالی که قانون تصفیه از جهت طلبکار، عام است. به علاوه، حتی اگر بر خاص بودن قانون تصفیه و عام بودن سایر قوانین، اصرار کنیم، باید دقت داشت که یگانه راه حل رفع تعارض قوانین، استفاده از روشهای شکلی نیست؛ بلکه عنایت به محتوای قوانین نیز لازم است. برای مثال، براساس ماده ۵۸ ق.ا.ت. مصوب ۱۳۱۸، نفقة زن در طبقه چهارم قرار گرفته، در حالی که تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، نفقة زوجه و اولاد را بر سایر دیون مقدم داشته است، حال با توجه به این مقررات، این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از این قوانین، مقدم است؟ اگر بر روشهای شکلی رفع تعارض قوانین، اصرار کنیم، قانون حمایت خانواده، قانون موخر و عام و قانون تصفیه امور ورشکستگی مقدم و خاص است؛ در نتیجه، قانون خاص باید بر قانون عام مقدم باشد، اما این نتیجه‌گیری سبب می‌شود که قانون حمایت خانواده درباره نفقة زوجه، متضمن هیچ حکم تازه‌ای نباشد؛ اما توجه به محتوای قوانین، سبب می‌شود که قانون حمایت خانواده، را ناسخ قانون قبلی بدانیم؛ نسخی که نتیجه آن تقدم نفقة زوجه بر سایر دیون خواهد شد (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳؛ الماسی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷). در همین راستا، نباید تنها بر بحث‌های شکلی مربوط به رفع تعارض اصرار کرد بلکه تأکید بر شناخت درجه اهمیت مطالبات ممتاز و مقدم دانستن مطالبات ممتاز اهم بر مهم نیز قابل استفاده است (ماده ۲۳۲۵ ق.م.ف)؛ این عقیده چنان‌هیم دور از روشهای مربوط به تشخیص قانون معتبر نیست؛ چه همانطور که می‌دانیم، در خصوص تشخیص حکم معتبر در تعارض قوانین، عقیده‌ای مبنی بر توقف وجود دارد؛ براساس این عقیده، اگر مرجحات خارجی وجود داشته باشد باید هر یک که مرجح است قبول کرد لذا اگر مرجحات ناسخیت وجود داشته باشد باید حکم عام را ناسخ حکم خاص و آن حکم خاص را مخصوص حکم عام دانست. دادستان کل کشور، در موضوع مطروحه در فوق، جانب همین عقیده را می‌گیرد و می‌نویسد: «بنبه ناسخیت حکم قانون مالیات بر درآمد نسبت به قانون تصفیه

مرجح است» برای اثبات رجحان و اقدمیت قانون مالیات بر درآمد نیز به «هدف مقنن از وضع مالیات و مصرف آن» نظر می‌اندازد. «مقصود از وضع مالیات نیل به هدف‌های ذیل می‌باشد: حمایت مملکت از دستبرد و گزند ممالک خارجی، تأمین وسایل برای دولت و توزیع عادلانه ثروت در بین افراد». برای رسیدن به هدف‌های سه‌گانه فوق یکی از عوامل مهم پرداخت مالیات می‌باشد. وی سپس به تشریح اهمیت مالیات پرداخته و می‌نویسد: (آیا با اهمیتی که مالیات در تمام شؤون مالی و اجتماعی و سیاسی کشور دارد سزاوار است مثلاً مطالبات پزشکان و داروسازان که جزو طبقه مستغنى این کشور هستند مقدم شمرده شود و مطالبات مالیاتی دولت غیر ممتاز قلمداد گردد) (علی‌آبادی، عبدالحسین، ۱۳۴۹، ص. ۲۹).

به نظر می‌رسد در حقوق موضوعه ما، با توجه به رای دیوان عالی کشور، باید رها از دردسر درنظرداشتن قوانین متاخر، میان حالت تصفیه جمعی و فردی قائل به تفکیک شد؛ در تصفیه جمعی، (فوت و ورشکستگی) قوانین خاص حکومت می‌کنند و در غیراین موارد، باید راه حل دیگری را پیدا کرد:

الف- در زمان اجرای تصفیه جمعی

براساس ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و بند یک ماده ۸۶۹ ق.م.و ماده ۲۲۵ ق.ا.ح، در طبقه اول از طلبکاران، «طلبکاران دارای وثیقه اعم از قراردادی و یا قانونی» قرار گرفته، در طبقه دوم، «حقوق خدمه»، در طبقه سوم، «طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیومیت تحت اداره ورشکسته بوده»، در طبقه چهارم، «طلب پزشک و داروفروش»، در طبقه پنجم، «نفعه و مهریه زن» و در طبقه ششم، «سایر بستانکاران» قرار می‌گیرند. با این حال، پیش از پرداخت هر نوع طلبی، مطالبات مربوط به هزینه‌های تصفیه باید پرداخت شود. در خصوص طبقه ششم نیز باید توجه داشت که ابتدا طلب طلبکارانی که به موجب قوانین متاخر از قوانین تجارت و امور حسبي، ممتاز شمرده شده‌اند، پرداخت شده و در نهایت، نوبت به طلبکاران عادي خواهد رسید.

ب- در خارج از تصفیه جمعی

در خارج از نظام تصفیه، ترسیم جدول مطالبات با دشواری زیادی روبرو خواهد بود؛ زیرا برخلاف تصفیه جمعی، دیگر با نص واحدی روبرو نیستیم؛ عرصه، عرصه سرگردانی است: مفسر با قوانین مختلف روبرو است که جمع آنها و ارائه نظمی واحد به آسانی ممکن نیست. با این حال، چاره‌ای جز آغاز راه نیست. در ابتدای مسیر، قابل ذکر است که گاه تراحم میان مطالبات متفاوت است؛ دیونی که ماهیت واحدی ندارند؛ یکی دارای وثیقه قراردادی است و دیگری، وثیقه قانونی دارد؛ یکی دیگر، نیز تنها بر سایر دیون مقدم است و... گاه اما ماهیت مطالبات، یکسان است و همگی جنس واحدی دارند.

ب-۱- مطالبات متفاوت

در میان مطالبات، طلبی که دارای وثیقه حکمی باشد، بر طلب دارای وثیقه قراردادی و طلب اخیرالذکر بر طلب مقدم و نهایتاً طلب ممتاز بر طلب عادی، تقدم خواهد یافت. در آخرین مرحله نیز طلب موخر قرار می گیرد.

۱- ترجیح طلب دارای وثیقه حکمی بر طلب دارای وثیقه قراردادی: طلبی که به حکم قانون، بر مال معینی، وثیقه دارد، بر طلبی که بر همان مال، دارای وثیقه قراردادی است، تقدم خواهد یافت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹). در نظام حقوقی فرانسه، نیز امتیاز، بر حقوق ناشی از عقد رهن، مقدم دانسته شده است (مواد ۲۳۹۳ و ۲۳۹۴ ق.م.ف). در فقه، نیز مثالهایی برای این قاعده می‌توان یافت؛ برای مثال، فقهاء محل تعلق «حق الجنایه» را خود عبد می‌دانند؛ به این معنا که خود عبد، حکماً وثیقه‌ای برای پرداخت حق فوق است؛ این حق، از جمله حقوقی است که پرداخت آن بر سایر دیون، و حتی حقوق مرتهن مقدم دانسته شده است (طوسی، ۱۳۵۱، ص ۱۳۸؛ نجفی، بی‌تا، ص ۲۵۹؛ همان، ۱۳۹۷، ص ۲۵۹؛ سید یزدی، ۱۴۲۰، ص ۸۵؛ سید یزدی، ۱۳۷۸، ص ۳۴؛ حکیم، بی‌تا، ص ۱۸۴؛ آملی، بی‌تا، ص ۴۷۶؛ «افقول حق الجنایه یکون متعلقاً بالعين»؛ حلی، ۱۴۰۵، ص ۳۶۲ «وإن كان العبد المرهون جنى، قدم الجنائية على دين الرهن»). زکات نیز همین گونه است؛ آنجا که بر مال معینی تعلق گرفته باشد، در این صورت، بر پرداخت هر دینی مقدم خواهد بود (زین

الدین، ج ۱۸۴/۲. مروارید، ۱۹۹۰، صص ۳۹۷ - ۳۹۸). این قاعده در حقوق موضوعه ما نیز پذیرفتنی است؛ برای مثال، براساس ماده ۲۹ ق.د، حقوق خاصی، حقوق ممتاز تلقی گردیده‌اند؛ محل تعلق و وصول این حقوق، «کشتی»، «کرایه حمل» و ملحقات این دو، شناخته شده‌اند؛ به این ترتیب، این حقوق، تنها دارای حق تقدم، نیستند؛ بلکه محل تعلق آنها، به عنوان وثیقه این مطالبات قرار گرفته‌اند؛ در راستای قاعده پیش‌گفته، ماده ۳۰ ق.د، حقوق ممتاز مندرج در ماده ۲۹ را نسبت به حقوق ناشی از رهن کشتی رجحان داده است (و نیز ر.ک.ب: مواد ۳۳ و ۵۱ ق.د).

۲- ترجیح طلب دارای وثیقه حکمی بر طلب دارای حق تقدم صرف: طلب دارای وثیقه حکمی، بر مالی از اموال بدهکار به حکم قانون، حق تعقیب می‌یابد؛ در حالی که طلب مقدم، تنها دارای حق تقدم است، بدین ترتیب، طلب دارای وثیقه حکمی، بر طلب مقدم، برتری خواهد یافت؛ پذیرش این قاعده در سایر نظامهای حقوقی نیز قابل ردیابی است (ماده ۱ ۲۳۳۲-ق.م.ف). در نظام حقوقی ما نیز، براساس ماده ۳۳ قانون بیمه مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ «بیمه گر نسبت به حق بیمه در مقابل هرگونه طلبکاری بر مال بیمه شده حق تقدم دارد حتی اگر طلب سایرین به موجب سند رسمی باشد». در واقع، مال بیمه شده، حکماً در وثیقه بیمه گر، قرار گرفته است؛ در همین راستا نیز در ادامه ماده فوق به تقدم طلب بیمه گر بر طلب سایرین اشاره شده است؛ ماده ۶۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۳۰/۳۵۰ نیز اموال مؤسسات بیمه و همچنین وداعی مذکور در مواد ۳۶ و ۴۶ را تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان دانسته و در همین راستا مقرر داشته است: «در صورت انحلال و یا ورشکستگی مؤسسه بیمه بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان نسبت به سایر بستانکاران حق تقدم داردند». همچنین، همانطور که می‌دانیم، براساس ماده ۲۹ ق.د مطالبات خاصی «نسبت به کشتی و نسبت به کرایه حمل در سفری که این حقوق طی آن ایجاد شده و نسبت به ملحقات کشتی و ملحقات کرایه حمل (موضوع ماده ۳۵) که از شروع سفر ایجاد شده است» ممتاز تلقی شده است؛ به این ترتیب، کشتی، کرایه حمل و ملحقات این هر دو، در وثیقه حکمی طلبکار

دارای طلب ممتاز قرار گرفته است؛ در همین راستا نیز ماده ۳۰ قانون فوق، سخن از رجحان حقوق ممتاز می‌راند: «حقوق ممتاز مندرج در ماده قبل نسبت به حقوق ناشی از رهن کشتی و همچنین بر سایر حقوق ممتاز مندرج در قوانین دیگر رجحان دارد» (نجفی اسفاد، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱-۱۵۰). در ماده ۳۳ همان قانون نیز با عنوان «کیفیت پرداخت در صورت وجود رهن» آمده است: «در صورتی که نسبت به کشتی علاوه از حقوق ممتاز حقوق عینی هم موجود باشد... بدواً حق دارندگان حقوق ممتاز و بعداً حقوق سایرین تأديه خواهد شد».

- ترجیح طلب دارای وثیقه قراردادی بر طلب مقدم: همانگونه که طلب دارای وثیقه حکمی بر طلب مقدم، ترجیح می‌یافتد، طلب دارای وثیقه قراردادی نیز بر طلب مقدم، برتری می‌یابد. دلیل این حکم نیز مشخص است؛ طلب دارای وثیقه قراردادی، حق تعقیب بر مال موضوع وثیقه دارد (آملی، بی‌تا، ص ۳۷۵)، در حالی که طلب مقدم، فاقد این خصیصه است. بدین ترتیب، طبکارانی که دارای وثیقه قراردادی می‌باشند، فارغ از رقابت با سایر طبکاران، بر آنها، تقدم می‌یابند (Mokal, 2008, pp.699-733)؛ به این معنا، که مال مورد وثیقه جزو اموال ورشکسته برای تقسیم میان طبکاران قرار نمی‌گیرد (Clark, 2006, p.302). این قاعده در سایر نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است.^۱ در فقه نیز همین عقیده جاری است؛ چنانکه یکی از مهمترین استثنایات قاعده «و یتساوی غرماء المیت مع عدم الوفاء»، (علامه حلی، ۱۴۰۵، ج ۲/۱۵۳؛ ابن العلامه، ج ۲/۷۸). زمانی است که یکی از بدهکاران، مالی از اموال مدبیون را به رهن گرفته باشد؛ در این صورت، علی‌رغم برخی اختلاف نظرها، نسبت به آن

1- Paul Health, Insolvency Law in new Zealand, p449; Cesar L. Villanueva, The Corporate Insolvency System of the Philippines: Experience and Reforms, p.436; Bahrin (KAM) Kamarul, Insolvency Law in Malaysia, Roman Tomasic, 2006, p.327; John GILLESPIE, Insolvency Law in Vietnam, Roman Tomasic, 2006, p. 259; Yair Listokin, Is Secured Debt Used to Redistribute Value from Tort Claimants in Bankruptcy? An Empirical Analysis, p.1039; Stacey Steele, Insolvency Law In Japan, p.50; Eugene Clark, Sutee Supanit, Thai Insolvency Law: One Step Towards the Development of the Legal Infrastructure for a Revitalised Economy, p.295; Dr Anne-Marie Mooney Cotter, Insolvency Law, p.13.

مال، وی، مقدم خواهد بود (شهید اول، ۱۴۱۴، ص ۲۹۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ص ۳۹؛ کوفی، ۱۴۰۹، ص ۳۵۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ص ۵۷۴؛ سید عبد الله جزائری، التحفه السنیة، ص ۲۵۴؛ محقق بحرآنی، بی تا، ص ۲۵۹؛ معنی، ۱۹۸۴، ص ۴۹۴). در حقوق موضوعه نیز در ماده ۷۸۰ ق.م می‌خوانیم: «برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مرتهن بر هر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت» (و نیز ر.ک. به: ماده ۲۲۷ ق.ا.ح، ماده ۵۸ ق.ا.ت و ماده ۱۴۸ ق.ا.م). بدیهی است پس از پرداخت طلب طلبکار دارای وثیقه، در صورتی که مالی باقی مانده باشد، نوبت به سایر طلبکاران خواهد رسید. به هرروی، باید توجه داشت که ترجیح طلبکار دارای وثیقه بر طلبکار مقدم، تنها در حدود مال موضوع وثیقه است؛ پس اگر مال مورد وثیقه کمتر از طلب طلبکار دارای وثیقه باشد، وی بابت مانده طلب خود، در ردیف طلبکاران عادی قرار می‌گیرد. چنانکه در ماده ۷۸۱ ق.م می‌خوانیم: «اگر مال مرهون به قیمتی بیش از طلب مرتهن فروخته شود مازاد مال مالک آن است و اگر بر عکس حاصل فروش کمتر باشد مرتهن باید برای نقیصه به راهن رجوع کند». ماده ۷۸۲ نیز در ادامه حکم فوق مقرر می‌دارد: «در مورد قسمت اخیر ماده قبل اگر راهن مفلس شده باشد مرتهن با غرماء شریک می‌شود». رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در همین راستا است: «راجح به طلبکاران وثیقه‌دار قانون برای وصول طلب آنها تا تاریخ ورشکستگی این مزیت را منظور داشته که کلیه طلب آنها از محل مورد وثیقه می‌باشد ایضاً شود و در صورتی که حاصل فروش کفايت طلب آنها را ننموده نسبت به بقیه طلب خود جزء غرمای معمولی منظور شوند و از وجوهی که برای غرما مقرر می‌باشد حصه بیرون...».

۴- ترجیح طلب مقدم بر طلب عادی: مهم‌ترین ممیزه طلب مقدم، تقدم آن بر طلب عادی است؛ از همین رو طبیعی است که پرداخت طلب مقدم باید پیش از طلب عادی صورت بگیرد؛ همانطور که در ماده ۲۲۶ قانون امور حسابی نیز، پس از بیان مطالبات ممتاز در چهار طبقه، «سایر بستانکاران»، ذکر شده و چهار طبقه فوق به عنوان طلبکاران مقدم، بر بستانکاران عادی، مقدم دانسته شده‌اند. همچنین ماده ۵۲۲ ق.ت نیز همین عقیده را بر می‌گزیند: «پس از وضع مخارج اداره امور و ورشکستگی و اعانه که ممکن است به تاجر



ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتازه تأدیه گردد، مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلًا تشخیص و تصدیق شده است خواهد شد»

ب-۲- دیون مشابه

در قسمت قبلی به تراحم دیونی پرداخته شد که از جنس واحدی برخوردار نبودند؛ اما این قسمت، به تراحم مطالباتی اختصاص یافته که از جنس واحدی برخوردار هستند.

۱- ملاک زمانی در مطالبات دارای وثیقه حکمی و قراردادی: اگر مالی در وثیقه قراردادی چند طلبکار باشد، هنگام وصول طلب، مرت亨 نخستین بر دیگران حق تقدم دارد و از حاصل فروش مال ابتدا او طلب خود را برمی‌دارد، سپس اگر چیزی باقی ماند، به بستانکاران دیگر می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸). چنانکه برای مثال، ماده ۴۶ ق.د. مقرر می‌دارد: «چنانچه کشتی بیش از یک مورد در رهن باشد بستانکاران مقدم بر بستانکاران مؤخر حق رجحان خواهند داشت...». البته در برخی از مصادیق از این قاعده منطقی پیروی نشده است؛ چنانکه بر اساس ماده ۱۰۴ ق.د «اگر دو یا چند وام به اعتبار وثیقه دادن یک کالا تحصیل شود وامی که در تاریخ مؤخر دریافت شده برآنکه تاریخش مقدم است برتری دارد». در خصوص وثائق قانونی نیز می‌توان از ملاک رهن مکرر استفاده کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸). به این ترتیب، در صورتی که مالی موضوع وثیقه بیش از یک طلب قرار گرفته باشد، طلب طلبکارانی که زودتر اقدام به اخذ وثیقه نموده اند، بر سایرین مقدم خواهد بود. بر همین اساس، اگر برای مثال، مالی ابتدا به عنوان مال ییمه شده، در وثیقه ییمه گر و سپس به عنوان مال ترجیح شده در وثیقه مطالبات گمرک قرار گیرد، ابتدا باید طلب ییمه گر و سپس طلب گمرک از آن مال پرداخت شود.

۲- چگونگی ترجیح مطالبات مقدم بر یکدیگر: در صورتی که مطالبات مقدم با یکدیگر تراحم یابند، می‌توان براساس تاریخ تصویب قوانین موجود این مطالبات، به حکم قانون مؤخر عمل کرد. برای مثال، اگر تراحم میان طلب زن با بت مهریه (ماده ۲۲۶ ق.ا.ح) و

مطالبات تأمین اجتماعی (ماده ۴۹ ق.ت.ا) باشد، به قانون مؤخر (قانون تأمین اجتماعی) عمل کرده و طلب سازمان تأمین اجتماعی را مقدم بدانیم. اما ایراد این روش، این است که معمولاً هر دو قانون متعارض، خاص می‌باشند. براساس روشی دیگر، می‌توان به تاریخ ایجاد مطالبات توجه کرد؛ طلبی که زودتر ایجاد شده بر طلبی که دیرتر به وجود آمده، مقدم خواهد شد. اما ایراد این روش، نیز پیش از این گفته شد. در روش سوم، می‌توان به استناد قاعده «اذا تعارض، تساقطا» وصف ممتاز هر دو طلب را ساقط شده پنداشت. در نتیجه به اصل تساوی طبکاران استناد کرد و ترجیح یکی از مطالبات بر دیگری را محتاج دلیل دانست؛ این عقیده از این جهت قابل تأیید است که همانطور که گفته شد، اصل تساوی طبکاران، اصلی درون گروهی است و در میان هر طبقه از مطالبات نیز قابل اعمال است؛ به علاوه، در فرض مورد بحث، مطالبات از جنس واحدی برخوردارند؛ پس تساوی، پذیرفتی تراست.

۳- اجرای اصل تساوی در دیون عادی: در میان مطالبات عادی، اصل تساوی طبکاران اعمال شده و همگی آنها به نسبت طلبشان از دارایی مديون، بهره خواهند برد.

نتیجه گیری

- ۱- طلب ممتاز، طلبی است که به موجب حکم قانون، دارای حق تقدیم بر سایر مطالبات یا حق تعقیب بر مال معینی از اموال بدھکار است.
- ۲- اگرچه در مقام بیان مبنای طلب ممتاز می‌توان فرض کرد که طبکار و بدھکار در اندیشه به رهن گذاشتن مالی از اموال بدھکار به نفع طبکار بوده‌اند؛ اما استفاده از مبنای هنجاری حمایت از طبکار، به نظر می‌رسد مناسب تر باشد.
- ۳- تنها قانون می‌تواند طلب ممتازی را ایجاد کند؛ موضوعی که از عهده قرارداد و حکم دادگاه بر نمی‌آید.



۴- پایان طلب ممتاز ممکن است به دو شکل صورت بگیرد: گاه عمر خود طلب به انتها می‌رسد، در این صورت، طبیعی است که وصف ممتاز بودن طلب نیز از بین خواهد رفت، گاه نیز وصف ممتاز بودن آن زایل می‌شود؛ در حالی که طلب هنوز پابرجا است.

۵- وجود طلب ممتاز، مالکیت را از بدھکار سلب نمی‌کند؛ بدھکار همچنان مالک است؛ در نتیجه منافع مال نیز به وی تعلق خواهد داشت.

۶- در حالی که در حقوق فرانسه، رفع تزاحم بیشتر بر اساس تکنیک‌های حقوقی و صرف‌نظر از ماهیت مطالبات صورت می‌گیرد و در فقه، درجه اهمیت موضوعات مترادف بیشتر ملاک است؛ در حقوق ما به نظر می‌رسد نخست باید میان تصفیه جمعی و فردی قائل به تفکیک شد؛ در حالت تصفیه جمعی (ورشکستگی و فوت)، قوانین خاص حاکم بر این دو وضعیت اجرا خواهد شد در حالی که در تصفیه فردی، طلبی که دارای وثیقه حکمی باشد، بر طلب دارای وثیقه قراردادی و طلب اخیرالذکر بر طلب مقدم و نهایتاً طلب ممتاز بر طلب عادی، تقدم خواهد یافت. اگر مطالبات نیز دارای جنس مشابه باشند نیز ملاک زمانی در مطالبات دارای وثیقه حکمی و قراردادی اعمال شده و در میان مطالبات مقدم، اصل تساوی اجرا خواهد شد.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۰)، **قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی**، جلد ۱، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- الماسی، دکتر نجادعلی، (۱۳۸۱)، **توثیب اموال زوجین در حقوق ایران و فرانسه**، مجله نامه مفید، شماره ۲۹.
- ۳- ایزانلو، دکتر محسن، جباری‌زاده، روزبه، (۱۳۹۰)، **مسئولیت مدنی و ورشکستگی، حقوق تطبیقی**، دوره ۲، شماره ۱.

- ۴- توانا، محمدعلی، (۱۳۸۹)، **نظریه عدالت سیاسی جان رالز، راه حلی برای معماهی دو وجهی آزادی و برابری**، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۸
- ۵- توسلی، حسین، (۱۳۸۲)، **مشکل توجیه برابری در تفکر لیبرال**، نقد و نظر، سال هشتم، شماره سوم و چهارم.
- ۶- جروم جی، شستاک، (۱۳۸۱)، **نظریه حقوق بشر، مترجم: جواد کارگزاری**، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۴۰.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، **حقوق خانواده**، گنج دانش، چاپ ۴.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۵)، **ترمینولوژی حقوق**، گنج دانش، چاپ ۱۶.
- ۹- حقیقت، سید صادق، (۱۳۷۶)، **اصول عدالت سیاسی**، مجله نقد و نظر، شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۱۰- سیدیان، سید مهدی، (۱۳۸۲)، **فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو**، مجله معرفت، شماره ۶۸.
- ۱۱- صالح، سید صالح، (۱۳۲۷)، **تأمین خواسته**، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۲۸۹.
- ۱۲- صدر زاده افشار، دکتر سید محسن، (۱۳۷۲)، **آینین دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد ۳، جهاد دانشگاهی.
- ۱۳- صفائی، دکتر سید حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۸۳)، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ ۷، نشر میزان.
- ۱۴- صقری، محمد، (۱۳۸۸)، **ورشکستگی**، جلد ۱، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵- غرایاق زندی، داود، (۱۳۸۱)، **نظریه عدالت به انصاف جان رالز: نظریه‌ای جهان شمول یا لیبرالی**، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۸۶.
- ۱۶- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۰)، **تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر**، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، **عقود معین**، جلد ۴، چاپ چهارم، انتشار.
- ۱۸- متین دفتری، احمد، (۱۳۷۸)، **آینین دادرسی مدنی**، جلد ۲، مجد.
- ۱۹- مدنی، جلال الدین، (۱۳۷۸)، **آینین دادرسی مدنی**، جلد ۳، چاپ پنجم، نشر پایدار.



- ٢٠- ندایی، هاشم، (١٣٧٩)، بررسی معنا و مفهوم عدالت با تأکید بر عدالت اجتماعی، مجله مصباح، شماره ٣٤.
- ٢١- واحدی، جواد، (١٣٦٧)، آینین دادرسی مدنی (٣)، جزوه درسی دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب- عربی

- ١- آملی، (بی‌تا)، **كتاب المكاسب والبيع** (تقریر بحث النائی)، جلد ٢، بی‌تا.
- ٢- انصاری، مرتضی، (١٤١٥)، **كتاب الطهاره**، مؤسسه آل بیت.
- ٣- بحرانی، محقق، (بی‌تا)، **الحدائق الناضر**، جلد ٢٠، مؤسسه نشر اسلامی.
- ٤- حسینی عاملی، سید محمد جواد، (١٤١٨)، **مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلامه**، بیروت، دار التراث، چاپ اول، جلد ١٢.
- ٥- حکیم، سید محسن، (بی‌تا)، **مستمسک العروه**، جلد ٩، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ٦- حکیم، محمد تقی، (١٣٩٠)، **الأصول العامه للفقه المقارن**، بی‌جا.
- ٧- حلی، یحیی بن سعید، (١٤٠٥)، **جامع الشرایع**، علمی.
- ٨- خویی، سید ابوالقاسم، (١٣٧٨)، **مصباح الفقاہه فی المعاملات**، جلد ٢، علمیه.
- ٩- روحانی، سید محمد صادق، (١٤١٢)، **العروه الوثقی**، جلد ٢، چاپ اول، علمیه.
- ١٠- زرکشی، محمد، (١٤٠٥)، **المتشور فی القواعد**، بی‌جا.
- ١١- زین الدین، شیخ محمد امین، (بی‌تا)، **كلمه التقوی**، جلد ٢، بی‌جا.
- ١٢- سبزواری، محقق، (١٤٢٣)، **کفایه الأحكام**، جلد ١، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی.
- ١٣- سرخسی، (١٤٠٦)، **المبسوط**، جلد ٢٠، دار المعرفه.
- ١٤- شهید اول، (١٤١٤)، **الدروس**، جلد ٣، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی.
- ١٥- شهید ثانی، (١٤١٤)، **مسالک الأفهام**، جلد ١، چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامیه.

- ۱۶- شهید ثانی، (۱۴۱۹)، **مسالک الأفهāم**، جلد ۴، چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامیه.
- ۱۷- شهید ثانی، (بی تا)، **القواعد و الفوائد**، به کوشش عبدالهادی حکیم، مکتبه المفید.
- ۱۸- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، **الخلاف**، جلد ۳، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۹- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۵۱)، **مبسوط فی الفقه الامامیه**، جلد ۸، حیدری.
- ۲۰- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۵)، **كتاب الخلاف**، الجزء الثالث، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۱- عراقي، آقا ضياء الدين، (۱۴۲۰)، **نهاية الأفكار في مباحث الألفاظ**، جلد ۱، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۲۲- كوفى، عبدالله بن محمدبن أبي شيبة، (۱۴۰۹)، **المصنف**، جلد ۵، چاپ سعيد لحام.
- ۲۳- مروارید، على اصغر، (۱۴۱۰)، **الينابيع الفقهية**، جلد ۳۷، چاپ اول، دارالتراث.
- ۲۴- معنیه، محمد جواد، (۱۹۸۴)، **الفقه على المذاهب الخمسة**، دارالجواد و دارالتيار الجدید.
- ۲۵- مقانی، شیخ عبد الله، (بی تا)، **مناهج المتقین**، چاپ سنگی.
- ۲۶- نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۹۷)، **جواهر الكلام**، جلد ۲۵، چاپ ۶، کتابخانه اسلامی.
- ۲۷- نجفی، محمد حسن بن باقر، (بی تا)، **جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام**، جلد ۴، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربي.
- ۲۸- یزدی، سیدمحمد کاظم بن عبدالعظیم، (۱۴۲۰)، **العروه الوثقى**، جلد ۴، چاپ اول، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۹- یزدی، سیدمحمد کاظم بن عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، **منجزات المریض**، مؤسسه اسماعیلیان.

ج- لاتین

- 1- Andrew Hicks, S. H. Goo, (2008), **Cases and Materials on Company Law**, oxford.
- 2- Ann Robinson, (1981), **L'incidence des priviléges et des hypothèques sur le régime légal de la société d'acquêts**, Les Cahiers de droit, vol. 22.
- 3- Alain Fournier, (2009), **Privileges Generaux**, Rép. civ. Dalloz.
- 4- Eugene Clark, Sutee Supanit, (2006), **Thai Insolvency Law: One Step towards the Development of the Legal Infrastructure for a Revitalised Economy**, Roman Tomasic.
- 5- Goode, (1997), **Principle of Corporate Insolvency Law**, Sweet & Maxwell.
- 6- Gene F Turnwald, (2010), consumer **bankruptcy protection in Michigan**, eloquent books.
- 7- Hélène Forster et Julien Milinkiewicz, (2004), **Le Principe d'égalité Entre les Créditeurs**, Séminaire de droit des procédures collectives, Dea de Droit des Affaires, Strasbourg.
- 8- J. Kilpi, (1998), **The Ethics of Bankruptcy**, Routledge, London.
- 9- J.Ziegel, (1994), **Preferred Priority in Bankruptcy**, Current Developments in International and Comparative Corporate Insolvency Law, Clarendon Press, Oxford.
- 10- M. Tancelin, (1967), **Priorité d'un privilège sur une hypothèque assortie d'une clause de dation en paiement**, Les Cahiers de Droit.
- 11- Olivier BARRET, (2010), **PRIVILÈGES MOBILIERS**, Rép. civ. Dalloz.
- 12- Olivier BARRET, (2007), **PRIVILÈGES IMMOBILIERS**, Rép. civ. Dalloz.
- 13- Omran KAHIL, (2011), **L'Égalité Entre Les Créditeurs Dans Le Cadre De La Saisie Attribution**, Thèse, L'Université Lille 2.
- 14- P.B. Mignault, (1916), **Le Droit civil canadien**, tome 9, Montréal, Wilson et Lafleur.

- 15- Rizwaan Jameel Mokal, (2011), **Priority as Pathology: The Pari Passu Myth**, Cambridge Law Journal.
- 16- Rosalind mason, (2006), **Insolvency Law in Australian**, Roman Tomasic.
- 17- Simler (Philippe) et Delebeque (Philippe), (2000), **Droit civil**, Les Suretes , La Publicite fonciere , 3e edition, Dalloz, Paris.
- 18- Stacey Steele, (2006), **Insolvency Law in Japan**, Roman Tomasic.
- 19- Vanessa Finch, (2000), **Is Pari Passu Passé?** Ins. Law.
- 20- Venessa Finch, (2009), **Corporate Insolvency Law**, Cambridge University Press.
- 21- V. H. ROLAND et L. BOYER, (1992), **Adages du droit français**, 3eéd., Litec.